Online ISSN: 2980-9800
Print ISSN: 2981-0094
Journal of Documentary and Archival Studies
Homepage: https://docs.aqr-libjournal.ir/

The Role of Documentary and Archival Research in the Local Historiography of South Khorasan: A case of study: Mohammad Hasan Hardangi

Kamal Ghous[1]

1. PhD Candidate, University of Birjand: South Khorasan Agricultural Jihad Organization, Independent Researcher (corresponding Author). kamal.ghous@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 17 September 2025
Received from revised: 15 November 2025
Accepted: 7 August 2026
Available online: 1 September 2026

***Keywords*:**
Mohammad Hassan Hardangi,
Local Historiography,
Documentary and Archival Research,
Gaenat.

Introduction

Writing history on a micro scale lends new meanings to historical documents, sources, and their contents, while opening up new perspectives for local historians. Driven by a sense of belonging and a strong personal commitment to their work, local historians consider themselves responsible for investigating the key factors relevant to their fields of research. In revisiting major issues, they also pay close attention to even the smallest details, enabling them to identify different aspects of historical phenomena and offer more nuanced and precise analyses. Numerous studies have examined the religious scholars of Quhistan, including Molla Mohammad Hasan Hardangi. Although he received little attention from historians for a period of time, archival documents and documentary research have brought him to light, transforming him from an obscure figure into a recognized and influential personality in South Khorasan.

Materials and Methods

This study draws on the following materials to examine the scholarly and social standing of Molla Mohammad Hasan Hardangi: a review of 400 family archival documents and 100 government archival documents, an unfinished book on Hardangi (Rashed Mohassel, 1345), a thesis examining his life and work (Rashed Mohassel, 1342), the archival collection of the newspaper Aftab-e Sharq (Rashed Mohassel, 1336), two historical sources on the Quhistan region, and relevant published scholarly articles.

Findings

The findings of this study demonstrate that revisiting Hardangi's life through written documentary evidence has not only helped establish the historical authenticity of his identity but has also revealed his significant role in the region's scholarly networks during that period.

Discussion and Conclusion

The present study aims to reassess Hardangi's historical standing and elucidate his

Ghous, K. (2026). ite this article: Ghous, K. (2025). he Role of Documentary and Archival Research in the Local Historiography of South Khorasan: A case of study: Mohammad Hasan Hardangi, 5(1), 127-150. *Journal of Documentary and Archival Studies*.

© The Author(s) retain the copyright.
Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.
DOI: https://doi.org/10.30481/psa.2026.567059.1111

scholarly position within the religious and intellectual structures of the Quhistan region. The findings demonstrate that the systematic use of archival documentation is an effective means of moving beyond oral history toward evidence-based historical research in the field of local historiography. This approach also establishes Hardangi's scholarly standing as one of the influential intellectual figures of the Quhistan region

پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی
شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۰۰
شاپا چاپی: ۲۹۸۱-۰۰۹۴

نقش مطالعات اسنادی و آرشیوی در تاریخ‌نگاری محلی خراسان جنوبی (مطالعه موردی: آیت‌الله محمدحسن هردنگی)

کمال غوث[1]

۱. دانشجوی دکترا، دانشگاه بیرجند . کارشناس سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی.پژوهشگر مستقل (نویسنده مسئول).
kamal.ghous@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخچهٔ مقاله:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶
انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

کلیدواژه‌ها:
محمدحسن هردنگی،
تاریخ محلی،
مطالعات اسنادی و آرشیوی،
قاینات.

چکیده

تاریخ محلی در کنار سایر گونه‌های تاریخ‌نویسی یکی از زمینه‌هایی بوده است که مورخان ایرانی آن را آزموده و آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند. این نوع تاریخ‌نگاری، با محوریت مکان‌نگاری، آگاهی‌های ارزشمندی در زمینهٔ حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخ، جغرافیا، حکام و فرمانروایان و تحولات سیاسی یک شهر و ناحیه‌ای خاص ارائه می‌دهند که در دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری، نظیر تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای کمتر دیده می‌شود. امروزه، پژوهش‌های تاریخی با رویکرد اجتماعی و تمدنی تاریخ‌های محلی، جایگاه برجسته‌ای یافته و در کنار دیگر منابع و متون در ترسیم چهرهٔ شهرها و بررسی تحولات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف گزارش‌های آن‌ها بسیار راهگشاست. در این میان بازخوانی اسناد قدیمی، دستیابی به اسناد موجود در بین متولیان خصوصی نگهدارنده اسناد و بهره‌گیری از منابع موجود، کمک بسیاری به شکوفایی و پویایی این دانش می‌کند. ولایت قهستان (خراسان جنوبی فعلی) با وجود شرایط اقلیمی خشن و عدم تاریخ‌نگاران رسمی در سده‌های متأخر قبل از قرن سیزدهم هجری‌قمری، منطقه‌ای پرتلاطم و تأثیرگذار در تاریخ سیاسی، علمی و فرهنگی شرق کشور و حتی در مواقعی کشور بوده است. در این پهنه از کشور علما و روحانیونی بوده‌اند که شاید از قلم تاریخ‌نگاران محلی نیز بی‌بهره بوده و گمنام مانده‌اند. به کمک اسناد معتبر و آرشیو خانوادگی، برخی از این علما نامشان دوباره احیاء و زنده شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر از طریق بررسی اسنادی و مطالعات آرشیوی به معرفی یکی از علمای مشهور قهستان آیت‌الله محمدحسن هردنگی می‌پردازد که منابع متأخر به آن اشاره‌ای نداشته‌اند.

استناد: غوث، کمال (۱۴۰۵). نقش مطالعات اسنادی و آرشیوی در تاریخ‌نگاری محلی خراسان جنوبی (مطالعه موردی: آیت‌الله محمدحسن هردنگی) . ۵(۱)، ۱۵۰ - ۱۲۷.
پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی. https://doi.org/10.30481/psa.2026.567059.1111

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
© نویسندگان.

مقدمه

نگارش تاریخ در ابعاد کوچک به اسناد منابع و محتوای آن معنای متفاوتی می‌بخشد و دیدگاه‌های جدیدی را برای محلی‌کاران ایجاد می‌کند. هر محلی ساختار و ویژگی‌های خاص خود را دارد که آن را از همسایه خود متمایز می‌کند و یا تشابهاتی که گذشتهٔ همسان سایر محلات را تداعی می‌کند و مورخان محلی‌کار هستند که نسبت به این مسائل باید خودآگاهی داشته باشند. مورخ محلی کار به علت حس تعلق و انگیزه‌ای که در نگارش نوشته خود دارد، خود را مسئول پیگیری عوامل مهم در حوزهٔ موردبررسی می‌داند. او ضمن بازبینی مسائل مهم، از کوچک‌ترین نکات قابل‌بررسی نیز نمی‌گذرد. نگاه ریزبینانه کسانی که در زمینهٔ تاریخ محلی کار می‌کنند باعث می‌شود تا نسبت به دیگران بر موضوعات متفاوتی تمرکز نموده و تحلیل‌های دقیق‌تری را ارائه دهند. خانواده‌ها رجال برجسته، مشاغل و اصناف، خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌تواند در ذیل تاریخ محلی قرار گیرد. تاریخ‌نویسی محلی در کنار سایر گونه‌های تاریخ‌نویسی یکی از زمینه‌هایی بوده است که مورخان ایرانی آن را آزموده و آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند. این نوع تاریخ‌نگاری، با محوریت مکان‌نگاری، آگاهی‌های ارزشمندی در زمینهٔ حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخ، جغرافیا، حکام و فرمانروایان و تحولات سیاسی یک شهر و ناحیه‌ای خاص ارائه می‌دهند که در دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری، نظیر تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای کمتر دیده می‌شود. امروزه، پژوهش‌های تاریخی با رویکرد اجتماعی و تمدنی تاریخ‌های محلی، جایگاه برجسته‌ای یافته و در کنار دیگر منابع و متون در ترسیم چهرهٔ شهرها و بررسی تحولات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف گزارش‌های آن‌ها بسیار راهگشاست. بی‌تردید شالودهٔ شناسایی افراد و شخصیت‌ها در طول تاریخ می‌تواند اسناد محلی و خانوادگی باشد. پژوهش‌های فراوانی در خصوص علمای قهستان صورت گرفته که ملا محمدحسن هردنگی از آن مبرا نبوده است. هرچند در برهه‌ای از تاریخ، مورخان از ایشان یادی نداشته‌اند، اما به مدد اسناد آرشیوی و مطالعات اسنادی موردبررسی که شرح مختصری از آن در ادامه می‌آید، او از شخصیتی گمنام به شخصیتی تأثیرگذار و شناخته‌شده در خراسان جنوبی تبدیل گردید، به‌گونه‌ای که تاکنون دو همایش شهرستان و استانی جهت معرفی این شخصیت توسط ادارهٔ کل اوقاف و امور خیریه استان برگزار گردیده است.

پیشینه پژوهش

راشد محصل در پژوهش‌هایی (۱۳۳۶، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵) تقریباً بخش مهمی از اطلاعات زندگی هردنگی و دلایل شهرت او را بیان می‌کند. زنگویی (۱۳۸۸) در کتاب ***شاعران قهستان*** غالباً گزارش‌های پیشین را جمع‌آوری نموده و اطلاعات جدید در اختیار خواننده نمی‌گذارد. غوث (۱۳۹۰) در کتاب ***گنج‌نامه ناحیه هردنگ***، شرح مبسوطی از زندگی و ویژگی‌های اخلاقی و علمی هردنگی بر اساس اسناد به‌دست‌آمده تا آن تاریخ، بیان می‌دارد. غوث و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای مبسوط به نقش خاندان هردنگی در رسیدگی به امورات شرعیه بلوک هردنگ و چگونگی بازسازی و احیاء مزار سیدناالحسین دهک عربخانه شهرستان نهبندان بر اساس اسناد به‌دست‌آمده تا آن تاریخ، پرداخته‌اند. ولوی (۱۳۹۶) بعد از یک کار منسجم و مدت‌دار شش ساله در پژوهشگاه علوم انسانی، رساله تأملات کلامیه هردنگی را تصحیح، تحشیه و بازخوانی و به طبع رساند که نقشی بسیار مهم در معرفی توانایی‌های علمی هردنگی در حوزه‌های مختلف علمی را نمایش می‌داد. غوث (۱۳۹۸) در کتابی بر پایه اسناد به معرفی مبسوط شخصیت هردنگی و نقش او در موقوفات قهستان می‌پردازد. جلیلی و غوث (۱۳۹۸) در پژوهشی اسنادی، برخی از ایرادات موجود در کتابت‌های قبلی را مرتفع نمودند. اسلامی (۱۴۰۳) به‌عنوان تنها منبع غیربومی استان، در خصوص معرفی شخصیت آقا سید ابوطالب حسینی مقاله‌ای مبسوط به زبان عربی در مجله تراث کربلای عراق چاپ و در آنجا از هردنگی به‌عنوان یکی از علمای شیعه نام می‌برد. مقاله حاضر نیز با ارائه چند سند جدید و اصلاح برخی موارد گذشته تنظیم‌شده و بر غنای مطالب پیشین افزوده و مشمولیت معنوی و علمی هردنگی را تثبیت می‌کند.

روش پژوهش

این مقاله با بهره‌گیری و بازخوانی ۴۰۰ سند آرشیوی خانوادگی، ۱۰۰ سند آرشیوی دولتی، یک کتاب ناتمام در خصوص معرفی هردنگی، یک پایان‌نامه در خصوص معرفی هردنگی، آرشیو روزنامه آفتاب شرق (راشد محصل، ۱۳۴۵، ۱۳۴۲، ۱۳۳۶)، دو منبع تاریخی منطقه قهستان و مقالات علمی موجود، به معرفی و اثبات شخصیت علمی و اجتماعی ملا محمدحسن هردنگی در زمان حیاتش، از دیدگاه نگارنده، می‌پردازد. منابع دولتی در دسترس بود و مشکل خاصی برای تهیه آن‌ها وجود نداشت. برای تهیه آرشیو اسنادی خانوادگی مشکلاتی از قبیل عدم رضایت صاحبان سند در تحویل اسناد، دوری منطقه‌ای که هردنگی متعلق به آن بود از مرکز استان، فقدان افراد آگاه و موثق نسبت به شخصیت هردنگی وجود داشت که نگارنده با تحمل سختی‌ها و رفتار تشویقی موفق به استفاده از اسناد موصوف گردید.

ملا محمدحسن هردنگی

آخوند ملا محمدحسن هردنگی، ۱۲۶۳ق در قریه مبادی از توابع هردنگ قیس‌آباد شهرستان خوسف استان خراسان جنوبی زاده شد. هردنگ نام روستایی است در شهرستان خوسف که در گذشته‌ای نه‌چندان دور، مرکز یکی از بلوک‌های قاینات به اسم بلوک هردنگ، عربخانه و مختاران بوده است. بلوک در دورهٔ قاجار معادل نام شهرستان امروزی است. وصف آوازهٔ علماء، فضلا و امرای این منطقه از گذشته در بین عوام و خواص منطقه قهستان معروف بود. (زمانی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۶) او پس از گذراندن دورهٔ مقدمات و سطح برای تکمیل دانش خود به مشهد رفت و از محضر آیات عظام بالأخص محمدرحیم بروجردی و علامه سید مرتضی حسینی یزدی، استفاده نموده و بر امورات فقهی، دینی و شرعی تسلط کامل یافت. آخرین استاد او، فقیه پرآوازه قهستان، سید ابوطالب مجتهد قاینی بود که هردنگی در کتاب ***تأملات کلامیه***، فراوان از او یاد کرده است. هردنگی در ۱۲۸۶ق، زمانی که ۲۳ سال داشت، به درج، اجتهاد رسید. (جلیلی و غوث، ۱۳۹۸: ۳) ازجمله مناصب هردنگی می‌توان به عضویت در هیأت امنای ولایت قهستان به مدت ۴۰ سال، مسئولیت موقوفات و حاکم شرع قاینات و نایب آیت‌الله سید اسماعیل صدر موسوی در امور حسبیه ولایت قهستان اشاره کرد. (الهی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۴؛ علیزاده بیرجندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۵؛ جلیلی و غوث، ۱۳۹۸: ۱۸) تألیفات هردنگی پس از مرگ، دستخوش حوادث گشته و تنها بخش‌هایی از آن به‌وسیله نوادگانش جمع‌آوری شد، اما برخی از آن‌ها به طبع نرسیده است. شماری از اشعار او در برخی از جراید چاپ شده است. (راشد محصل، ۱۳۳۶: ۲) از آثار او می‌توان به ***تأملات کلامیه***، ***رساله توحید***، ***دیوان اشعار*** و ***سفرنامه هرات*** (غوث، ۱۳۹۰: ۳۵۵) و به‌احتمال رساله‌ای در اخلاق و فدک نیز اشاره کرد. (هردنگی، ۱۳۹۶: ۲۶۵) مهم‌ترین اثر موجود او کتاب ***تأملات کلامیه*** بوده و بررسی آن نشان می‌دهد که هردنگی بر منابع، تاریخی، کلامی و فلسفی عامه و کاربرد مضامین خاصه تسلط داشته و به آن‌ها استناد کرده است. کاربرد مضامین عرفانی در خلال بحث‌های کلامی ازجمله وجوه تمایز این اثر با سایر آثار کلامی است. (ناصری، ۱۳۹۸: ۱۲۵؛ هردنگی، ۱۳۹۶: ۳۷) جامعیت شخصیت علمی هردنگی و تسلط او بر علوم معقول و منقول و آگاهی کامل او از عرفان و معارف شهودی، زمینه‌ساز فعالیت آموزشی و پژوهشی او و در همهٔ این زمینه‌ها شده است. از هردنگی مثنوی‌ها و غزلیات عارفانه‌ای نیز به‌جای مانده که نشانگر طبع شعری و علاقه‌مندی او به عرفان است که در ذیل به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

تـا کـه از خـود نگـذری نیـک‌رأی — کـی توانـی کـرد دیـدار خـــــدای
رو تـو روحانـی شـــــو و اسـرار بیـن — یـار خـود در پـــــــرده اغیـار بیـن
معرفت باشـد حجاب معرفـــــت — زیـن سـبب دیگـر نگویـم منقبـت
هـم خـود او مقصـود باشـد هـم دلیـل — هـم بـود محبـوب و هـم آمـد دلیـل

هـر کـه را شـد اشـتیاق وصـل یـار | بایـدش بـا شـعله دائـم گشـت یـار
در شرایین و عروق جـــــان من | نیست غیر از جلوه جانـــان من
(هردنگی، ۱۳۹۸: ۴۵)

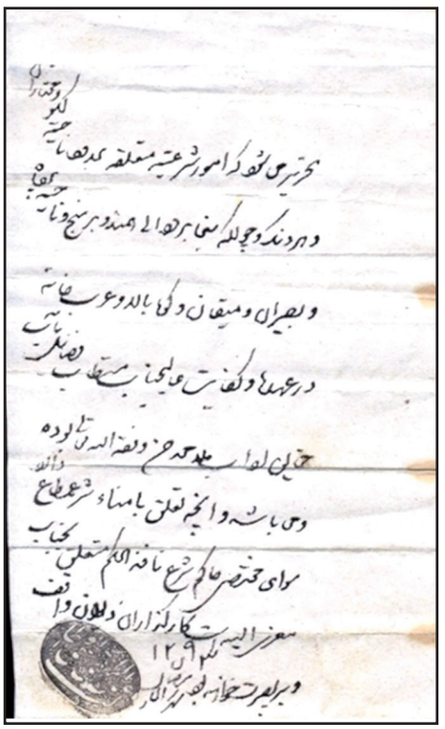
معرفی اسنادی شخصیت هردنگی

اجازه‌نامه‌ها

اجازه‌نامه آقا سید ابوطالب به هردنگی جهت دخالت در امور شرعیه

در ۱۲۹۳ق، سید ابوطالب قاینی حاکم شرع قهستان (سند ۱) تفویض اختیار رسیدگی به امورات شرعی بلوک هردنگ را که از قبل نیز به عهده هردنگی بود، به‌صورت رسمی به او محول می‌گرداند که متن آن در ادامه می‌آید. (اسلامی، ۱۴۰۳: ۵۰)

متن سند ۱: «تحریر می‌شود که امور شرعیه متعلق به حدود ناحیه گیو و مختاران و هردنگ و جلگه براکوه الی همند و برمنج و ناحیه سرچاه و بصیران و میغان و کوه بالا و عرب خانه در عهده و کفایت عالیجناب مستطاب فضائل مآب حقایق ابواب ملا محمدحسن و فقه اله تعالی بوده و می‌باشد و آنچه تعلق به امناء شرع مطاع دارد سوای مختص حاکم شرع نافذ الحکم، متعلق به جناب معزی الیه است. کارگزاران دیوان واقف و بر بصیرت خواهند بود. شهر رمضان المبارک ۱۲۹۳ قمری [مهر] عبده الراجی ابوطالب حسینی به تاریخ ۱۲۸۴ قمری.»



سند ۱: اجازه‌نامه آقا سید ابوطالب به هردنگی جهت دخالت در امور شرعیه (غوث، ۱۳۹۸ : ۴۳)

نکات:

۱. سید ابوطالب در اجازاتش به هردنگی او را صاحب دانش و حقایق ابواب و کسی که فقاهت را خدا به او اعطا کرده یاد می‌کند.

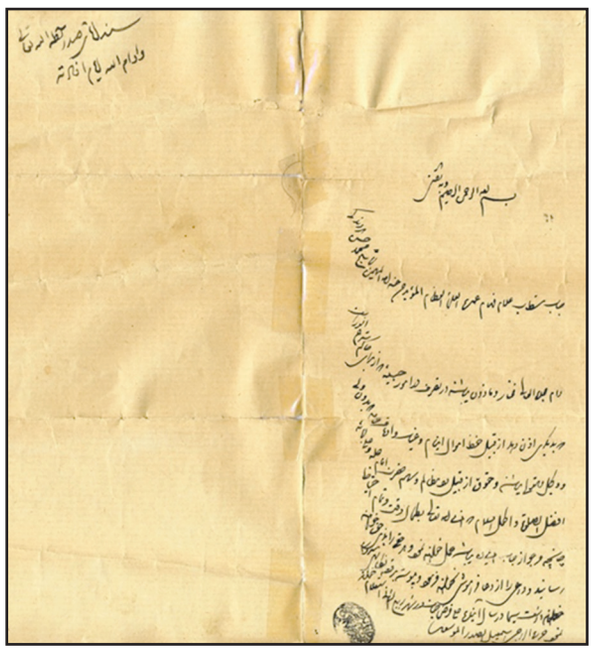
۲. در متن اجازه‌نامه مشخص هست که رسیدگی به امورات شرعیه بلوک هردنگ از قبل هم توسط هردنگی انجام می‌شده است.

اجازه‌نامه‌های آقا سید اسماعیل صدر به هردنگی جهت دخالت در امور حسبیه

اجازه‌نامه اول

«بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین

جناب مستطاب علام فهام عمده العلماء العظام الموید من عنداله المهیمن آقا شیخ محمدحسن هردنگی: دام مجده العالی مختار و مأذون می‌باشند در تصرف در امور حسبیه که از برای حاکم شرع انور است که به دیگری اذن دهد از قبیل حفظ اموال ایتام و غیاب و اوقاف عامه که بدون ولی و وکیل و متولی می‌باشند و حقوق از قبیل رد مظالم و سهم حضرت امام جله و علی ابائه افضل الصلوه و اکمل السلام که انشاءالله تعالی به کمال دقت و تمام احتیاط چنانچه و جواز جناب ایشان می‌باشد، عمل خواهند نمود و هر حقی را به ذی‌حق خواهند رسانید و داعی را از دعا فراموش نخواهند فرمود و پیوسته به رقعه‌نگاری مسرورم خواهند داشت. سیما در سال آینده علی فرض حیات در شهر ربیع‌الثانی استعلام خواهند نمود. حرره الراجی اسماعیل صدرالموسوی [سجع مهر] عبده اسماعیل موسوی. [بالای سند سمت چپ]: دستخط ملا محمدحسن هردنگی: سند آقای صدر حفظ الله تعالی و ادام الله ایام افاداته.»



سند ۲: اجازه‌نامه آقا سید اسماعیل صدر به هردنگی جهت دخالت در امور حسبیه (غوث، ۱۳۹۸: ۴۶)

نکات:

۱. اجازه‌نامه فوق از سوی آقا سید اسماعیل صدر برای هردنگی صادرشده که نشان از جایگاه معنوی و فقاهتی او دارد.

۲. در این اجازه‌نامه، به هردنگی ابلاغ می‌شود که مختار است در پذیرش این امر و دیگر اینکه او هم می‌تواند این امورات را به هرکسی که صلاح دانست به نیابت از آقا سید اسماعیل واگذارد.

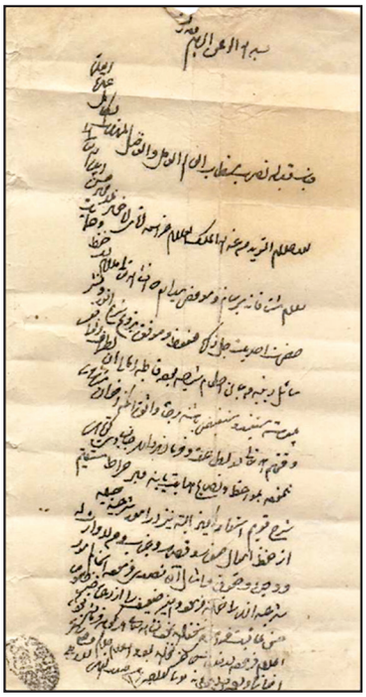
۳. رسیدگی به این امورات مربوط به حاکم شرع است و اگر فرض کنیم هردنگی حاکم شرع نبوده، اما این جایگاه معنوی و علمی را از نظر آقا سید اسماعیل داشته که رسیدگی به امور حسبیه به او واگذار شده است.

۴. نمونه این اجازه‌نامه برای شیخ محمدحسن خوسفی که از شاگردان آقا سید اسماعیل و میرزای شیرازی بوده، توسط سید در پاسخ به مطالبه برخی از مردم قاینات صادر شده است.

اجازه‌نامه دوم

«بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین

جناب قبله نصب مستطاب العالم العامل و الفاضل المهذب الکامل عمده العلماء الاعلام الموید من عندالله الملک العلام عزّ اسمه آقای آخوند ملا محمدحسن ایّده الله تعالی را سلام مشتاقانه می‌رسانم و معروض می‌دارم که ان‌شاءالله تعالی مدام در حفظ و حمایت حضرت احدیت جل ذکره محفوظ و موفق به ترویج شرع انور و نشر مسایل دینیه و بیان احکام شرعیه بوده، قاطبه اهالی آن اطراف و نواحی پیوسته مستفید و مستفیض باشند. رجاء واثق آنکه اخوان متدیّن وفّقهم الله تعالی در اطاعت و فرمانبرداری جناب ایشان کوتاهی ننموده به مواعظ و نصایح هدایت یابند و بر صراط مستقیم شرع قویم استوار گردند. البته نیز در امور شرعیه حسبیه از حفظ صغار و قصار و غیاب و وجوه و من ولد وارث له و وجوه تصدی فرموده، انجام امور شرعیه آن را خواهند نمود و این ضعیف را از دعای خیر خود و حسن عاقبت فراموش نخواهند فرمود. ان‌شاءالله هرگونه فرمایشی بود اعلام فرموده در خدمات حاضر خواهم بود (السلام علیکم و علی [...] اخوان [...] و [...] حره الراجی ابن صدر العاملی الاعلی) [سجع مهر] عبده اسماعیل الموسوی.»



سند ۳: اجازه‌نامه آقا سید اسماعیل صدر به هردنگی جهت دخالت در امور حسبیه (غوث، ۱۳۹۸: ۵۰)

نکات:

۱. به نظر می‌رسد که این اجازه‌نامه باید بعد از اجازه‌نامهٔ اول صادر شده باشد، زیرا متنش گسترهٔ بیشتری داشته و در آن اشاره به نواحی و مناطق مختلف گردیده است.

۲. در این اجازه‌نامه آقا سید اسماعیل مردم قاینات را به اطاعت و فرمان‌برداری از هردنگی توصیه می‌کند.

۳. بیانات تمحیدیه آقا سید اسماعیل از هردنگی، نشان از جایگاه معنوی و علمی بالای وی در پیش آقا سید اسماعیل دارد.

۴. بر اساس اسناد به‌دست‌آمده و بررسی‌شده، هردنگی فعلاً تنها عالم قاینات است که از آقا سید اسماعیل دو اجازه‌نامه دارد که این خود نشان از جایگاه معنوی و علمی بالای او، نزد آقا سید اسماعیل دارد.

هردنگی (تاریخ دقیق تولد و اجتهاد)

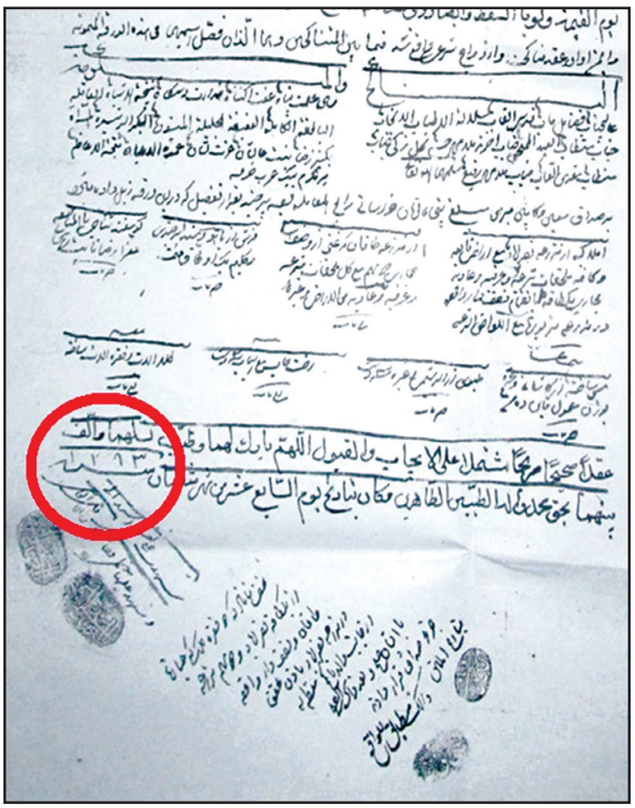
هرچند، تفاوت چندساله در تاریخ تولد یک عالم از دیدگاه عام و حتی برخی خواص مهم نباشد، اما از دیدگاه محققانه حتی روز تولد یا وفات یک عالم یا دانشمند می‌تواند قابل‌توجه باشد. اهمیت این موضوع را در ادامه خواهیم دید.

۱. راشد محصل زمان تولد هردنگی را حدود ۱۲۶۰ق (راشد محصل، ۱۳۴۵: ۱) و ولوی در تصحیح کتاب هردنگی (هردنگی، ۱۳۹۶: ۲۱) زمان اجتهاد او را حدود ۳۰ سالگی آورده است. در موضوع اول راشد محصل بیان می‌کند که به دلیل نبود اسناد، نمی‌توان تاریخ دقیق‌تری اعلام نمود. ولوی نیز با احتساب حکم شرعی آقا سید ابوطالب که در ۱۲۹۳ق صادرشده، زمان اجتهاد هردنگی را ۳۰ سالگی بیان می‌کند. حال که واقعیت بر اساس بررسی منابع موثق‌تر چیز دیگری است که در ادامه می‌آید:

۲. ولوی به این موضوع دقت نداشته که آقا سید ابوطالب در واگذاری امور شرعی بلوک هردنگ به هردنگی فقط نگفته که امور شرعیه متعلق به فلان منطقه از حالا به عهده هردنگی می‌باشد، بلکه آقا سید ابوطالب گفته «بوده و می‌باشد» یعنی

قبل از صدور این حکم، هردنگی مسئول رسیدگی به امورات این منطقه بوده است و اگر این اجازه‌نامه را اجازه‌نامهٔ اجتهاد فرض کنیم، هردنگی با توجه به تاریخ تولد (۱۲۶۳ق) قطعاً قبل از ۳۰ سالگی به درجهٔ اجتهاد رسیده است.

۳. راشد محصل نیز باوجود کمک بزرگی که به معرفی هردنگی کرده است، در ارائه برخی از تاریخ‌ها، دچار اشتباهاتی شده است. به‌عنوان‌مثال، سال ازدواج هردنگی (سند ۴) را حدود ۱۳۰۰ق اعلام می‌کند، درحالی‌که در سند ازدواج هردنگی تاریخ ۱۲۸۳ق دیده می‌شود. یعنی در حدود ۱۷ سال فاصلهٔ آماری وجود دارد.



سند ۴: سند ازدواج هردنگی (راشد، ۱۳۹۳: ۱۹۸)

۴. برخی از نویسندگان بدون تدقیق نظر به ابتدا و انتهای مقدمهٔ دیوان اشعار آخوند و تاریخ مندرج در مهر آخوند، به بیان مطالبی در معرفی تاریخ اجتهاد و اساتید او پرداخته‌اند. متنی که تاکنون این نویسندگان به آن مرجع می‌داده‌اند به شرح ذیل است و نگارنده این مقاله نمی‌داند که چرا بخش‌های دیگر که بسیار هم مهم بوده، موردتوجه قرار نگرفته است: «[...] این قلیل البضاعه بعد از آنکه از خدمت والد ماجد جهت تحصیل مهاجرت کرده چندان دور نرفتم و بر بعضی از اهل علم تلمذ کرده که دارای مقام اجتهاد نبودند و بعد از آنکه از ایشان مستغنی شدم بر دو نفر که از عمده علمایند، تلمذ کرده و حظّی وافر و بهره‌ای کامل از ایشان برداشتم [...].»

و متن کامل‌تر که در ادامه می‌آید:

«آنچه گاهی اوقات در خاطر این قلیل البضاعه عدیم الاستطاعه گرفتار دام علائق دنیا و مبتلا به انواع کدورت و بلا درمانده به کار خویش و اسیر هوای دل‌ریش محمدحسن بن محمد رفیع بن حاجی ملاعلی باقیمانده اینکه، اول کسیکه از آباء این حقیر قدم در بساط علم و فضل گذاشته و به زیور زهد و عمل و احیاء مراسم شریف آراسته گشته حاج ملاعلی بود که این حقیر در خدمتش کمی از مقدمات را فراگرفته و در سفر مکه معظمه به جوار رحمت الهی پیوست و از برکات

ائمه اطهار بر آن مرحمت شده، این است که برکت علم در اولاد امجادش باقی‌مانده است. والد ماجد که ثانی سلسله است ایضاً به علم و عمل آراسته و اوقات خود را تماماً در تحصیل مصروف داشته‌اند، [...] این قلیل البضاعه بعد از آنکه از خدمت والد ماجد جهت تحصیل مهاجرت کرده چندان دور نرفتم و بر بعضی از اهل علم تلمذ کرده که دارای مقام اجتهاد نبودند و بعد از آنکه از ایشان مستغنی شدم بر دو نفر که از عمده علمایند، تلمذ کرده و حظّی وافر و بهره‌ای کامل از ایشان برداشتم و ختم تلمذ حقیر در این زمان به عالم عامل و فقیه کامل الفاضل المجتهد و السید المجاهد صاحب المفاخر والمناقب والفائق علی العلماء الدین عصرهم لعصره مقارب آقا سید ابوطالب مجتهد قاینی گردید و آن جناب صاحب تصانیف کثیره و رسائل حسنه در فقه و اصول می‌باشند که همه آن‌ها را به درس برایشان خواندم و اکنون‌که از سن مبارکش ۵۵ سال می‌گذرد تصنیفات ایشان بیش از ۵۰ هزار است و [...].» (راشد، ۱۳۳۶: ۲)

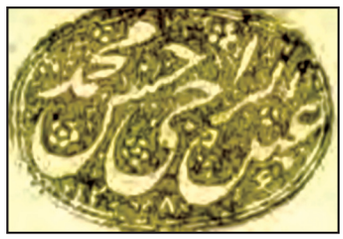
با نگاهی به دو متن بالا، تفاوت‌هایی عمده به شرح ذیل دیده می‌شود:

۱. هردنگی به غیر از آقا سید ابوطالب و پدرش ملا محمد رفیع (که خود مجتهد بوده است) دو استاد مجتهد مسلم را داشته که تاکنون نویسندگان پیشین از آن غافل بوده‌اند.

۲. ختم تلمذ هردنگی و در حقیقت اجتهاد او در سن ۵۵ سالگی آقا سید ابوطالب ذکر شده است. ازآنجایی‌که آقا سید ابوطالب در ۱۲۹۳ق و در سن ۶۳ سالگی فوت کرده و آخوند از سن ۵۵ سالگی استادش یاد می‌کند، پس زمان شروع تاریخ نگارش دیوان اشعار آخوند، زمان اتمام درس و اخذ درجهٔ اجتهاد او در ۱۲۸۵ق تا ۱۲۸۶ق اتفاق افتاده است.

۳. حال اگر تاریخ تولد آخوند را ۱۲۶۳ق بدانیم، پس ختم تلمذ و اجتهاد ایشان در ۲۲ سالگی و اگر تاریخ تولد آخوند را ۱۲۶۰ق بدانیم، ختم تلمذ و اجتهاد او در ۲۵ سالگی اتفاق افتاده است

۴. این محاسبات با تاریخ درون مهر آخوند که برابر ۱۲۸۶ق بوده و در حقیقت بیانگر اجازهٔ او برای دخالت در امورات شرعیه است، مطابقت دارد.



۵. اما اینکه چرا در این مقاله، تاریخ ۱۲۶۳ق اعلام می‌گردد، مربوط می‌شود به متنی که در آن راشد محصل در روزنامه آفتاب شرق برای معرفی هردنگی، تاریخ تولد او را ۱۲۶۳ق بیان می‌کند. (راشد محصل، ۱۳۳۶: ۱) این روزنامه به دلیل اینکه زودتر از تمام منابع موجود نوشته‌شده و مطالب دقیق‌تری را دربارهٔ هردنگی ارائه می‌دهد، موثق‌تر به نظر می‌رسد. ضمن اینکه از تاریخ فوت آخوند تا نگارش این متن حدود ۵۰ سال می‌گذرد و طبیعتاً مطالب متقن‌تری بیان گردیده است.

هردنگی در نگاه آیت‌الله هادوی

مرحوم هادوی (متوفی ۱۳۶۶ق) از علما و فقهاء به نام قاینات بود که در حدود ۱۳۱۹ق بنا به دعوت امیر اسماعیل‌خان شوکت‌الملک به از عراق به بیرجند آمد و صاحب‌منصب قضاوت و موقوفات گردید. از سوی آخوند خراسانی به‌عنوان عالم طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی شد، اما نپذیرفت و به جای آن، ریاست انجمن ولایتی را عهده‌دار شد تا بتواند در راستای خدمت به مردم فعالیت کند. (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۴۳)

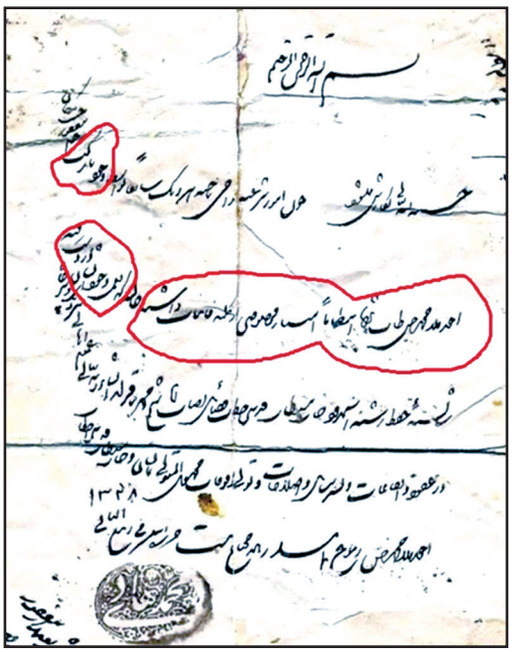
نامهٔ هادوی به دامادهای آخوند (۱۳۲۸ق) برای رسیدگی به مسائل شرعی بلوک هردنگ و توابع بعد از فوت هردنگی

«بسم‌الله الرحمن الرحیم
حسبیه اله تعالی نگارش می‌شود چون امور شرعیه نواحی ناحیه هردنگ سابقاً به‌واسطه وجود با برکت مرحوم مغفور جنت‌مکان آخوند ملا محمدحسن طالب ثراه که انتظاماً امتیاز مخصوصی از کلیه قاینات داشته انجام می‌گرفته، حالیه که نعمت وجودشان از دست رفته شایسته حفظ رشته آن حدود [...] حرره فی ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ـ [سجع مهر]: محمدهادی به تاریخ ۱۳۱۵ق» (سند ۵)

نکات:

۱. آیت‌الله هادوی از هردنگی با عناوینی چون وجود با برکت و نعمت یاد می‌کند که نمونه آن در اسناد موجود، از سوی هادوی به سایر علماء دیده نمی‌شود.

۲. آیت‌الله هادوی از هردنگی با عنوان کسی که انتظاماً امتیاز مخصوصی از کلیه قاینات داشته یاد می‌کند. به‌کار بردن کلمه کلیه قاینات، تأکیدی از سوی آیت‌الله هادوی بر بزرگی جایگاه و جامعیت معنوی و علمی هردنگی در بین خواص و عوام دارد و در حقیقت آیت‌الله هادوی می‌خواهد بیان کند که شخصیت متقی هردنگی در قاینات کاملاً شناخته‌شده است.



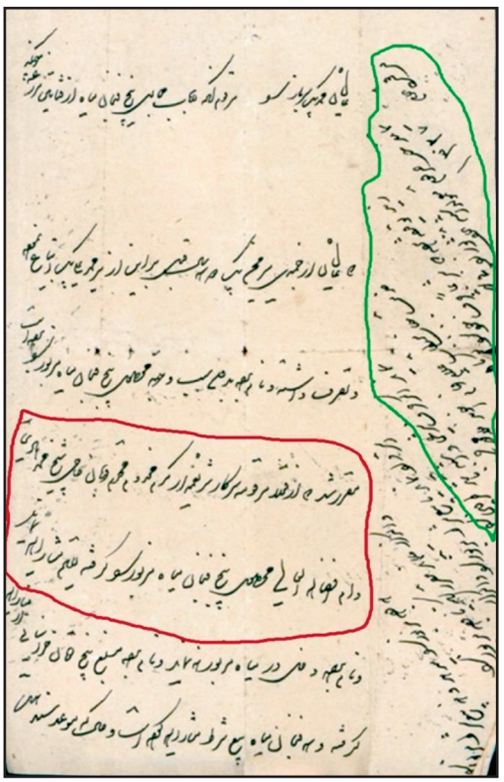
سند ۵: نامهٔ آیت‌الله هادوی به دامادهای آخوند برای رسیدگی به مسائل شرعی بلوک هردنگ و توابع بعد از فوت هردنگی (غوث، ۱۳۹۸: ۵۱)

هردنگی و تفویض قضاوت از سوی آیت‌الله هادوی و امیرمحمد ابراهیم‌خان شوکت‌الملک

هرچند محل زندگی هردنگی در روستای دورافتاده هردنگ و فارغ از هیاهوی سیاسی و مذهبی بیرجند بوده، اما گاهاً علمای بیرجند جهت حل و فصل برخی از دعاوی از او دعوت یا مراجعین را به او در روستای هردنگ ارجاع می‌دادند. همان‌طور که در متن قبلی بررسی شد، احترام و بزرگی هردنگی برای آیت‌الله هادوی کاملاً مشخص و واضح بوده و به همین

دلیل برخی از دعاوی را به هردنگی ارجاع می‌داده است.

حکم امیرمحمد ابراهیم‌خان شوکت‌الملک در خصوص ارجاع دعاوی بین میر محسن بیک و میر محمد بیک به آخوند هردنگی درصورتی‌که حکم آیت‌الله هادوی را قبول نکردند.



سند ۶: حکم امیرمحمد ابراهیم‌خان شوکت‌الملک در خصوص ارجاع دعاوی به آخوند هردنگی (غوث، ۱۳۹۸: ۱۳۸)

گاهی اوقات طرفین دعاوی به‌حکم آیت‌الله هادوی عمل نمی‌کرده یا نظر او را قبول نداشته‌اند که در یک نمونه در دسترس، امیرمحمد ابراهیم‌خان شوکت‌الملک به تاریخ ۱۳۲۷ق در متن نامه به محمد بیک سرباز می‌نویسد که حکم آیت‌الله هادوی در خصوص دعاوی میر محمدعلی بیک و میر محسن بیک را در خصوص قنات چهکند اجرا کنند و اگر طرفین این حکم را قبول نمی‌کنند پیش آخوند هردنگی رفته تا حکم شرعی را بیان و موضوع فیصله یابد و از حکم هردنگی تخلف نورزند (سند ۶).

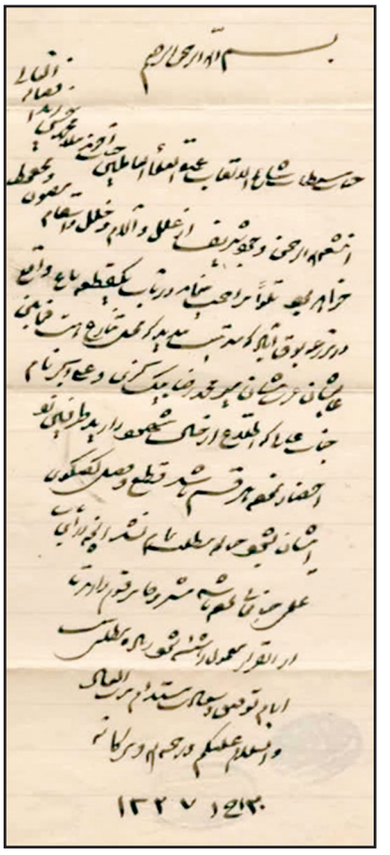
نکات:

۱. با وجود اینکه از حضور آیت‌الله هادوی در قاینات تا تاریخ صدور این سند، حدوداً بین ۸ تا ۱۰ سال می‌گذرد و طبیعتاً علمای دیگری در نزدیکی آیت‌الله هادوی وجود داشته که او می‌توانسته از حضور آنان هم بهره ببرد، اما در اسناد دیده می‌شود که آیت‌الله هادوی هنوز از حضور هردنگی در رسیدگی به مسائل شرعیه قاینات استفاده می‌کند که این خود نشان از بزرگی و احترام خاص هردنگی دارد.

۲. در نمونه‌ای از اسناد به‌دست‌آمده، آیت‌الله هادوی مورد قضاوتی را به هردنگی ارجاع می‌دهد و از هردنگی در این نامه با عنوان جناب مستطاب شامخ الالقاب عمده العلماء العاملین جناب آخوند ملا محمدحسن زید فضله العالی، یاد می‌شود. (سند ۷)

«جناب مستطاب شامخ الالقاب عمده العلماء العاملین جناب آخوند ملا محمدحسن زید فضله العالی؛ ان‌شاءالله الرحمن وجود شریف از علل و آلام و خلل و اسقام مصون و محفوظ خواهد بود.

در باب یک قطعه باغ که مدتیست مدید که محل تنازع است فیمابین [...] طرفین را احضار نموده، هر قسم باشد قطع و فصل گفتگوی ایشان شود، چنانچه مطلب تمام باشد. آنچه در این باب نظر جنابعالی مهم باشد، مشروحاً مرقوم دارید تا از القرار معمول داشته شود [...] ایام توفیق و سعادت مستدام برب العباد [...] (۱۳۲۷ق).»



سند ۷: ارجاع قضاوت به هردنگی از سوی آیت‌الله هادوی (غوث، ۱۳۹۸: ۱۷۶)

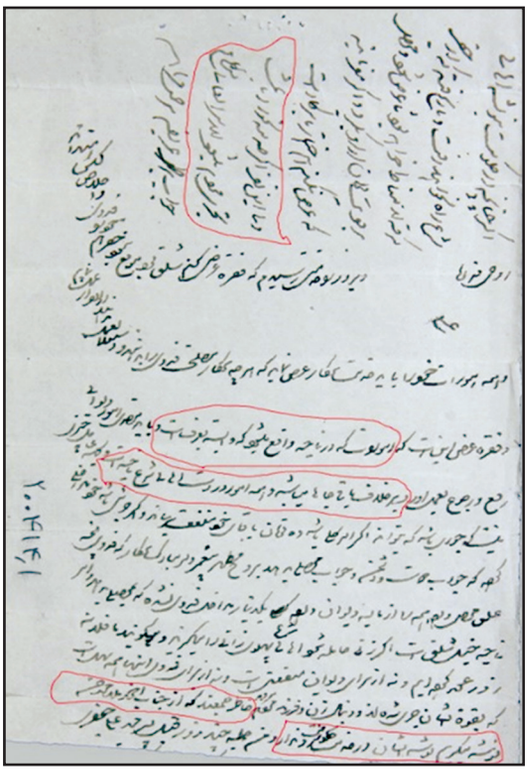
نکات:

۱. در این سند آیت‌الله هادوی از هردنگی با عناوین چون شامخ الالقاب و عمده علماء یاد می‌کند. نمونه این‌گونه نگارش بین آیت‌الله هادوی و سایر علماء قاینات، حداقل بر اساس اسناد موجود فعلی دیده نشده است که این خود نشان از بزرگی و احترام خاص هردنگی نزد آیت‌الله هادوی دارد.

۲. آیت‌الله هادوی از هردنگی می‌خواهد که هرگونه صلاح می‌داند حکم دهد و ایشان نیز حکم او را اجرا خواهند کرد و مهم در سند این است که به هردنگی قواعد و چارچوبی را در بیان نظرش نمی‌دهد.

هردنگی و حاکم شرع مطلق ناحیه

نمونه سند شمارهٔ ۸ فوق‌العاده است. گزارشی از متصدی امور مالیه قاینات به مقامات بالاتر (احتمالاً امیرمحمد ابراهیم‌خان) و ابراز نگرانی از اقتدار آخوند ملا محمدحسن هردنگی در حکومت و در قاینات که گزیده‌ای از متن آن در ادامه می‌آید. در این سند شخصی که احتمالاً متصدی امور مالیه قاینات بوده به مقام بالاتر خودش که گویا امیر قاینات یا رئیس دیوان باشد، می‌نویسد که: «اموراتی که در ناحیه هردنگ می‌شود خلاف سایر نقاط که کارگزار دیوانی دارد بوده و همه امورات آن توسط حاکم شرع صورت گرفته و تا به مردم در مسائل مختلف گیر می‌دهیم می‌گویند که از آخوند ملا محمدحسن نامه می‌گیریم که حرف ایشان در حکومت نرو ندارد و اگر حکومت به حرف او نخواهند کرد تا محصل فرستاده و خراج گرفته شود وگرنه هم که امر فرمان شماست و درهرصورت این شخص اگر صدمه نخورد باعث تجری مردم می‌شود.» (سند ۸)



سند ۸: گزارشی از متصدی امور مالیه قاینات به مقامات بالاتر (غوث، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

نکات:

۱. در این سند مشخص است که آخوند از احترام بالایی در پیش امرای قاینات برخوردار بوده است، زیرا تمام امورات مالی بلوک‌های قاینات مبنی بر این سند که توسط نایب‌های حکومتی و دیوان مالیه انجام می‌پذیرفته در این بلوک توسط هیئت امناء شرع و حاکم شرع آخوند ملا محمدحسن هردنگی صورت می‌گرفته است.

۲. گویا امرای وقت قاینات از جایگاه آخوند در بین مردم و علماء در هراس بوده‌اند، زیرا این شخص در نامه می‌نویسد اگر به‌حکم آخوند ملا محمدحسن هردنگی عمل نخواهید کرد تا اقدام کنم.

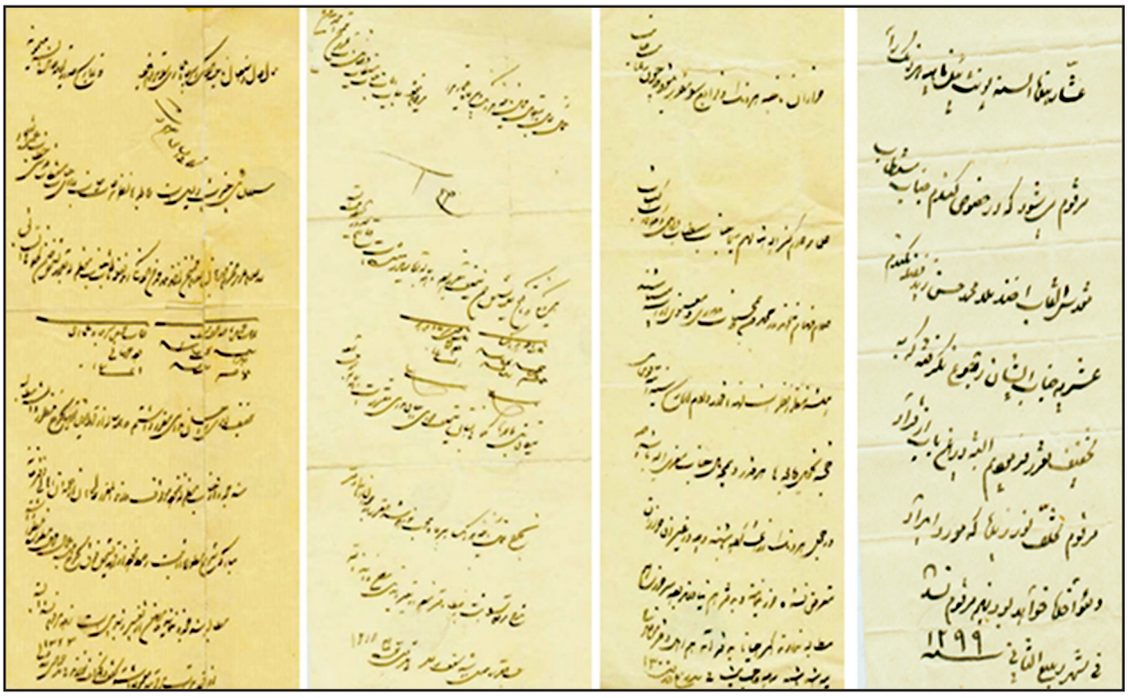
۳. ولایت مطلقه آخوند در بلوک هردنگ، عربخانه، میغان و گیو و مختاران که از بلوک‌های نُه‌گانه قاینات قدیم (خراسان

جنوبی فعلی) بوده، خود نشانگر بزرگی جایگاه علمی و معنوی اوست که در حکومت داشته و باعث شده به‌گونه‌ای کاملاً مستقل عمل نموده تا موجبات نارضایتی برخی از مقامات بلندپایه قاینات را برانگیزد.

۴-.نویسنده سند، سعی می‌کند با اتهاماتی چون انجام دزدی و زنا در بین مردمان ناحیه هردنگ در سایه آخوند ملا محمدحسن، احساسات مذهبی مقام بالاتر را تحریک کند تا بلکه بتواند خراجی از این منطقه به دست آورد که ظاهراً ناکام مانده است.

این سند در اسناد خانوادگی آخوند یافت شده است، یعنی اینکه این نامه دوباره از طریق حکومت به دست آخوند رسیده و این موضوع نیز دلیلی است بر تسلط مذهبی و حاکمیتی آخوند بر تصمیمات و رفتارهای امرای قاینات.

هردنگی و احکام معافیت



سند ۹ سند ۱۰ سند ۱۱ سند ۱۲

سند ۹: امیر علم‌خان حشمت‌الملک در ۱۲۹۹ق در نامه‌ای این‌گونه می‌نویسد: «عشار ناحیه هردنگ را مرقوم می‌شود که در خصوص گندم جناب مستطای مقدس الالقاب آخوند ملا محمدحسن زید فضله، عشریه جناب ایشان رجوع نگرفته که به تخفیف مقرر فرمودیم. البته در این باب تخلف نورزیده که مورد ایراد و مواخذه خواهند بود. در ماه ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ق.» (غوث، ۱۳۹۸ : ۵۸)

نکات:

تاریخ صدور این سند با آنچه که راشد محصل بیان می‌کند که هردنگی ۱۳۰۰ق به ناحیه هردنگ برگشته مطابقت دارد (راشد محصل، ۱۳۴۵: ۲) و احتمالاً تا قبل از این معافیه، او در بیرجند و قاینات به امر حاکمیت شرع و تدریس طلاب مشغول بوده است آن‌گونه که راشد در کتاب ناتمامش بیان کرده است.

سند ۱۰: امیر علم‌خان حشمت‌الملک، ۱۳۰۰ق در نامه‌ای این‌گونه می‌نویسد: «حرازان ناحیه هردنگ و سرچاه عماری

را مقرر می‌شود چون رعایت جناب علماء علام کثر الله امثالهم سیما جناب مستطاب فضائل و کمالات اکتساب علام فهام آخوند ملا محمدحسن که به محسنات صوری و معنوی آراسته می‌باشند همیشه منظر نظر است لهذا در خصوص مالیه جناب ایشان چه در جمعی هردنگ زراعت شده باشد و چه در غیر آن، حرازان متعرض نشده و حرز هم ننمایند و به دفتر هم نیاورند که سر حرزی هم مطالبه ننمایند و اگر هم به دفتر آمد اهل دفتر موضوع را دانسته باشند و برای مالیه حسابی نیست.» (غوث، ۱۳۹۸: ۵۹)

سند ۱۱: امیر اسماعیل‌خان شوکت‌الملک در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۱۸ق این‌گونه می‌نویسد: «عمال حال و استقبال حال ناحیه هردنگ و سرچاه را مرقوم می‌شود در باب مالیات جناب مستطاب فضائل‌مآب عزیز ممتحن آخوند ملا محمدحسن هردنگی که به تخفیف مقرر بوده و همه‌ساله بر او صادر می‌شده، کما فی السابق به تخفیف مقرر است و همه‌ساله به‌موجب این حکم به خرج عمال ناحیه هردنگ و سرچاه محسوب خواهد بود. ارجمندان اهالی دفترخانه شرح مرقوم را ثبت و ضبط دفتر نموده و در تغییر و تبدیل این رقیمه حسب مقرری معمول داشته و تخلف نورزند.» (همان: ۶۳)

سند ۱۲: امیرمحمد ابراهیم‌خان حشمت‌الملک در نامه‌ای این‌گونه می‌نویسد: «عمال حال و استقبال ناحیه هردنگ و سرچاه عماری را مرقوم می‌شود که از تاریخ صدور این حکم که هذه السنته میمونه ئیلان ئیل خیریه دلیل است و ما بعدها نظر به رعایت و جانبداری جناب مستطاب قدس خطاب عمده العلماء الاعلام عزیز محترم مهربان علام ممتحن آخوند ملا محمدحسن هردنگی ذی‌فضله در باب جناب معظم‌له به قرار تشخیص ضمنی کما فی السابق: ارباب جمعی ناحیه هردنگ و ارباب جمعی سرچاه عماری، به تخفیف ابدی و احسان مدامی مقرر داشتم که همه‌ساله از قرار همین حکم حکومتی به خرج منظور داشته و مطالبه سند مجدد از جناب معظم‌له ننموده، موقوف دارند. المقرر عالیجنابان ارجمندان اهالی دفترخانه مبارکه، شرح مسطوره را ثبت و ضبط، از قرار تشخیص فوق به خرج محاسبه عمال محل مسطوره منظور داشته و مطالبه سند مجدد ننمایند که مصون از تغییر و تبدیل است زیاده مرقوم. نشد البته از قرار مراتب مرقومه معمول داشته، تخلف و انحراف نورزند. فی شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۳ قمری.» (همان: ۶۴)

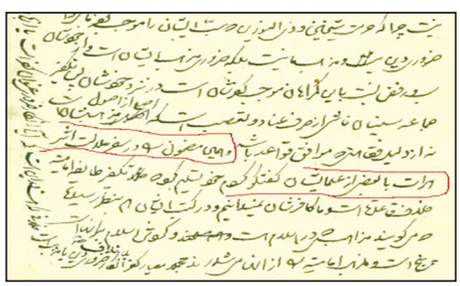
هردنگی و سفر هرات

با وجود سکونت هردنگی در روستای دورافتاده هردنگ، به دلیل فقاهت و جامعیت علمی، پیوسته از او در جلسات بحث و مناظره با علمای اهل اسلام دعوت می‌شد. ازجمله موارد مناظرات او در بیرجند و هرات به شرح ذیل می‌آید:

۱. در مصاحبه و مشافهه با بعضی از ملایان از برادران در قصبه بیرجند و در سفر هرات شنیده‌شده این است که اجماع کردند. (هردنگی، ۱۳۹۶: ۲۰۲)

۲. در سفری که به هرات رفتم در مجلس مباحثه، شیخ‌الاسلام ایشان روایت کرد. (همان: ۲۶۹)

۳- در صفحه‌ای از صفحات سفرنامه خود (سند ۱۳)، از سفر به هرات و مناظره با علمای آن‌ها یاد می‌کند: «[...] و همین مضمون را در سفر ملالت اثر هرات با بعضی از علمایشان گفتگو گردم.» (اسلامی، ۱۴۰۳: ۲۶)



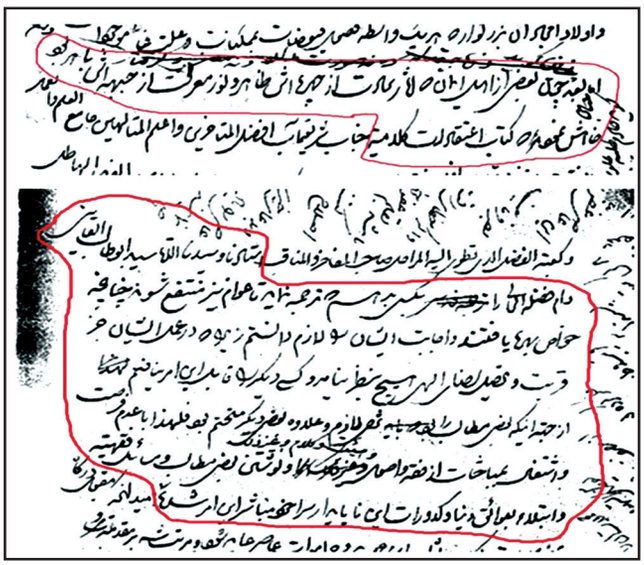
سند ۱۳: بخشی از سفرنامه هردنگی از سفر به هرات (آرشیو خانوادگی)

با عنایت به موارد بالا می‌توان گفته‌های راشد محصل مبنی بر سفر هردنگی به هرات به‌قصد مناظره و مباحثه را تأیید کرد. (راشد، ۱۳۴۵: ۳) راشد محصل قید می‌کند که علت اشتهار هردنگی در قاینات به دو دلیل عمده بود. اول، مناظره او با آقا سید مرتضی یزدی مشهور به شیخ مرتضی که از فحول علمای آن زمان حوزهٔ علمیه مشهد بوده در حضور علماء و امراء قهستان که با تیزبینی خاصی برخی از نظرات خود در فقه و کلام را بر او اثبات و برخی از نظرات او در فقه و کلام را رد و او را مجاب می‌کند (شیخ محمدباقر گازاری از شیخ مرتضی به‌عنوان علامه و یکی از اساتید خود در مشهد یاد می‌کند). دوم، محاورهٔ او با قاضی‌القضات هرات و مفتی این شهر مشهور به شمس‌الدین فاضل هروی در روز عید غدیر در شهر هرات در حدود ۱۲۸۶ق که موضوع جانشینی حضرت علی(ع) بعد از پیامبر(ص) را اثبات و او را در حضور علمای حاضر مجاب می‌نماید. (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۶)

تأملات کلامیه هردنگی

راشد محصل در دست‌نوشت‌هایش (۱۳۴۵) بیان می‌کند که بعد از فوت آقا سید ابوطالب، هردنگی در قاینات اعلمیت داشته و تا مدت‌ها افاضل قاینات در محضرش تلمذ می‌کرده‌اند. این موضوع را می‌توان از اقرار هردنگی در ابتدای *تأملات کلامیه* به دست آورد:

۱. در سند ۱۴ هردنگی علت علاقه‌مندی به ترجمه *رساله اعتقادات* سید ابوطالب را درخواست و خواهش برخی از علمای قاینات می‌داند که از او خواسته‌اند این کتاب به‌گونه‌ای ترجمه شود که عوام هم بهره ببرند همان‌طور که خواص بهره‌ها بردند: «[...] چون بعضی از اهل ایمان که آثار سعادت از چهره‌اش ظاهر و نور معرفت از جبهه‌اش باهر بود، خواهش نمودند که کتاب اعتقادات کلامیه جناب [...] آقا سید ابوطالب قاینی دام فضله العالی را به کس دهم ترجمه نماید تا عوام منتفع شوند چنانچه خواص بهره‌ها یافتند و اجابت ایشان را لازم دانستم زیرا که در عمل ایشان جز قربت و تحصیل رضای الهی به نظر نیامد و کسی دیگر را قابل این امر نیافتم از جهت اینکه بعضی مطالب را شرح لازم و برخی دیگر متحتم بود لهذا با عدم فرصت و اشتغال به مباحثات از فقه و اصول و هیئت و کلام و غیر ذلک و نوشتن برخی مطالب و مسائل فقیه و ابتلاء به عوائق دنیا و کدورات این ناپایدار سرا خود مباشر این امر شدم امید آنکه [...].» (سند ۱۴)



سند ۱۴: علت علاقه‌مندی هردنگی به ترجمه رساله اعتقادات سید ابوطالب (هردنگی، ۱۳۹۸: ۴۷)

نکات:

۱. تقوای قلم هردنگی در این نگارش قابل‌توجه است. او می‌توانست بگوید که به من گفتند چون شخص دیگری نمی‌شناسیم، این کتاب را خودت ترجمه کن، اما قید می‌کند از من خواستند کتاب را به کس دهم تا ترجمه نمایم و الی‌آخر.

۲. هرچند در این مقاله مجالی برای معرفی *تأملات کلامیه* هردنگی وجود ندارد، به چند ویژگی خاص این اثر به نسبت سایر آثار کلامی اشاره می‌شود:

این کتاب تنها شرح بر رساله اعتقادات سید ابوطالب قاینی است.

نویسنده کتاب تأملات کلامیه، شاگرد نویسنده رساله اعتقادات است.

تسلط هردنگی بر منابع روایی، تاریخی کلامی و فلسفی عامه و خاصه و استناد به آن‌ها. البته نویسنده نسبت به آرای عالمان متقدم اعم از شیعه و سنی منفعل نبوده و در صورت لزوم، عقاید آن‌ها را در کمال دقت و احترام نقد کرده و نظرات متفاوتی ارائه کرده است.

ترجمه و تفسیر این اثر در زمان حیات مجتهد قاینی بوده و از این نظر که کتاب توسط شاگرد بلافصلش ترجمه و تفسیر می‌گردد، بسیار مهم است.

این اثر از جهاتی با آثار کلامی بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و بعضی از دیگر متکلمان شیعه تفاوت‌های درخور توجهی دارد که برخی از این تفاوت‌ها به شرح زیر است:

الف) رویکرد عرفانی نویسنده به مباحث کلامی به‌ویژه توحید و مباحث متفرع بر آن. این رویکرد تقریباً در کمتر اثری از آثار متقدم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که شخصیت خاص هردنگی و تسلط او بر عرفان و احاطه‌اش به ادعیه شریفه وارده از معصومان صلوات الله علیهم موجب ایجاد چنین تفاوتی شده است.

ب) استشهاد به آیات و روایات محکم را متمم و مکمل استدلال‌های عقلانی نموده است که شاید این ویژگی مرهون ماهیت احتجاجی آن باشد.

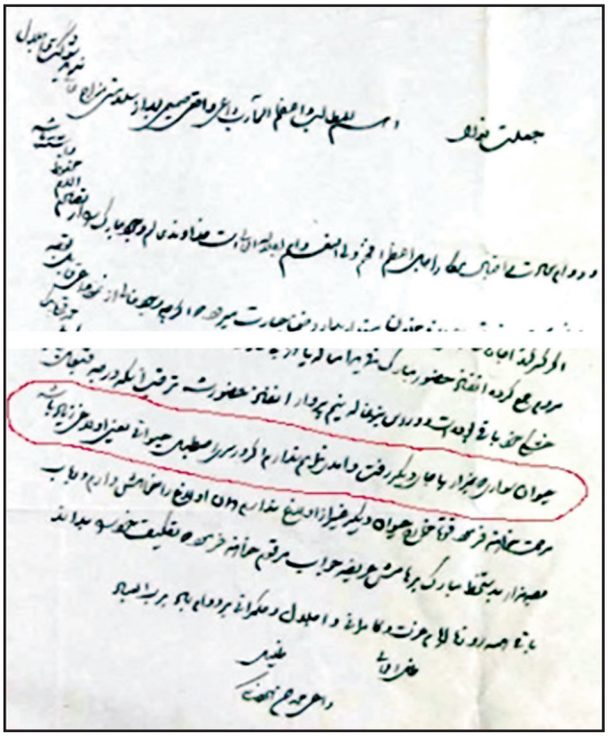
ج) هرچند کتاب پایه‌های استدلالی محکمی دارد که به کمک آیات و روایات تقویت‌شده، اما از جزمیت برخی منابع کلامی متأخر دور است، زیرا با لطایف ادبی و عرفانی تلطیف و خواندن آن حتی برای عموم نیز قابل‌درک شده است. در این خصوص گویا هردنگی می‌دانسته که قرار است چگونه بنویسد که موردمطالعه اهل تحقیق و غیر تحقیق قرار گیرد آن چنانکه که خود می‌گوید: «[...] جملات رساله را شرحی مفصل و مشکلات فهم آنرا ضمن تفصیل مطلب، تسهیل نموده و چیزهایی که از مصنف شنیده بودم با آنچه خود فکر کرده بودم، علاوه کردم تا به فهم قریب و طباع اهل ذوق را خوش آید و باعث رغبت در هر کس به تعلیم این نسخه شریفه شود و [...].» (همان: ۴۶)

د) رویکرد احتجاجی و جدلی کتاب. نویسنده تلاش نموده در عین ورود به عرصهٔ چالشی، موازین جدال احسن را رعایت نماید. (همان: ۳۲، ۳۶).

هـ) هردنگی در تألیف کتاب خود، از حدود ۲۳۵ منبع مختلف کلامی، فلسفی، ادبی، تفسیری، عرفانی، تاریخی، رجالی، روایی و جغرافیایی استفاده کرده است. به‌جرئت می‌توان ادعا کرد که این اثر از حیث منابع و مراجع با دیگر منابع کلامی موجود تفاوتی مشهود دارد و احادیث و روایات آن به قدیمی‌ترین و معتبرترین مراجع روایی، فقهی و کلامی مستند شده‌اند. به دلیل حجم قابل‌ملاحظه روایات و انتخاب موضوعات متنوع و مسائلی که مردم آن زمان بدان احتیاج مستمر داشته‌اند و مورد پرسش بوده، می‌توان کتاب او را در ردیف کتب مشهور ۳ محمدون قرار دهد.

هردنگی و مزار دهک

یکی از مهم‌ترین آثار معنوی باقیمانده از هردنگی علاوه بر آثار علمی او، بنایی است به اسم مزار سیدناالحسین روستای دهک عربخانه شهرستان نهبندان که منتسب به جناب سید الحسین بن علی بن عبیدالله القاضی ابن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن امیرالمؤمنین علی بوده و محل ظهور معجزات و کرامات فراوان که در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۳۱۶ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این بنا در ۱۳۱۷ق با مدیریت هردنگی و کمک‌های معاریف قاینات ازجمله امیر اسماعیل‌خان، به صورت کامل شد. (غوث و همکاران، ۱۳۹۴: ۱-۳۴) از علمای قاینات یک نفر دیگر (سید ابوتراب انوار) بوده که نتیجهٔ فعالیت شرعی او، احیاء و بازسازی بقعهٔ متبرکه سید جواد نقیب در کوهستان باقران بیرجند است. (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۳۸) در طول تاریخ علما و عرفای زیادی بوده‌اند که فقارت آن‌ها در دوران زندگی همیشه زبانزد بوده و روشنگر راه سالکان الهی است. در این میان، آخوند نیز مستثنی نبوده و بازخوانی سند ذیل که به بالاترین مقام حکومت قاینات یعنی امیر اسماعیل‌خان نوشته‌شده خالی از لطف نمی‌باشد. بازخوانی قسمت‌هایی از نامه هردنگی به امیر اسماعیل‌خان مبنی ر تقاضای ساخت ضریح برای مزار سیدناالحسین دهک عربخانه: «[...] امساله یا از بی‌سعادتی داعی و یا از مرحمت الهی مزارعی که داعی شریک بوده‌ام بر همان خشکی خود باقی بوده است [...] حیوان سواری که به مزار یا جای دیگر رفت‌وآمد نمایم ندارم اگر در سری اصطبل حیوانی یا الاغی زیاد باشد مرحمت خواهند فرمود قوه مخارج حیوان دیگر ندارم و همان الاغ را خواهش دارم [...].» (سند ۱۵)



سند ۱۵: نامه هردنگی به امیر اسماعیل‌خان (غوث و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۸)

نکات:

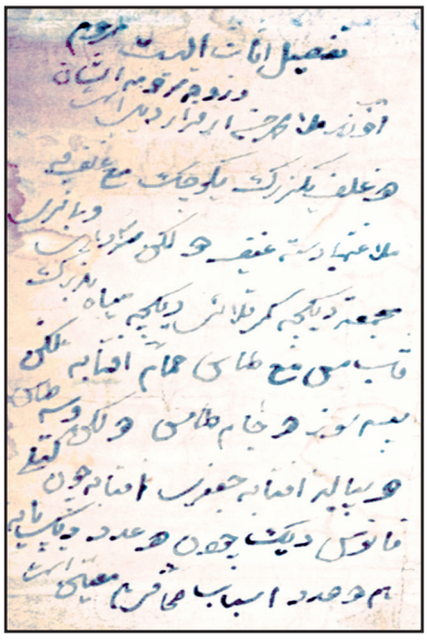
۱. او در اواخر زندگی خود از نظر درآمد مالی در جایگاه مناسبی نبوده آن‌چنانکه توانایی خرید یا حتی نگهداری حیوانی مثل الاغ نیز برای او مقدور نبوده است.

۲. تمام درخواست او از بالاترین مقام قاینات فقط خریداری یک الاغ برای رفت‌وآمد هست، آن‌هم به دلیل اینکه هزینه خرید حیوان بهتری به نسبت الاغ را نداشته است. انصافاً این موضوع جای تدبر و تأمل دارد. باوجود احترام خاص او در بین روحانیون، مردم و امرای مختلف ولایت قاینات و مهیا بودن زندگی تجملاتی برای او و استجابت هرگونه جایگاه مادی، از سوی حاکمان محلی، او گوشه‌نشینی و خدمت به مردمان دوردست بلوک هردنگ را به زندگی اعیانی در بیرجند ترجیح می‌دهد و همین موضوع شاید یکی از دلایل فراموشی هردنگی در کتاب رجال قاین یا بین فرهیختگان متقدم و متأخر بوده است.

۳. در این سند اشاره به مداومت خشکسالی و اثرات سوء آن بر درآمد مزار و املاک اطراف اشاره می‌کند که این خشکسالی به سال ۱۳۲۱ ق تاکنون در منابع قید نشده است.

هردنگی و اموالش بعد از وفات

متن سند: «۲ غلف بزرگ و کوچک، ۲ لگن، یک مجمعه، ملاقه، دیگچه کمر قلائی، دیگچه سیاه بزرگ قاب مس، دسته قیف، طاس حمام، آفتابه، پیه‌سوز، دو جام طاس، دو لگن و ۳ طاس و پیاله، آفتابه چدن، کتری، فانوس، دیگ چدن ۲ عدد و یک پایه اجاقی، ۲ عدد اسباب صحافی.»
(سند ۱۶)



سند ۱۶: اموال هردنگی (غوث، ۱۳۹۸: ۱۱۹)

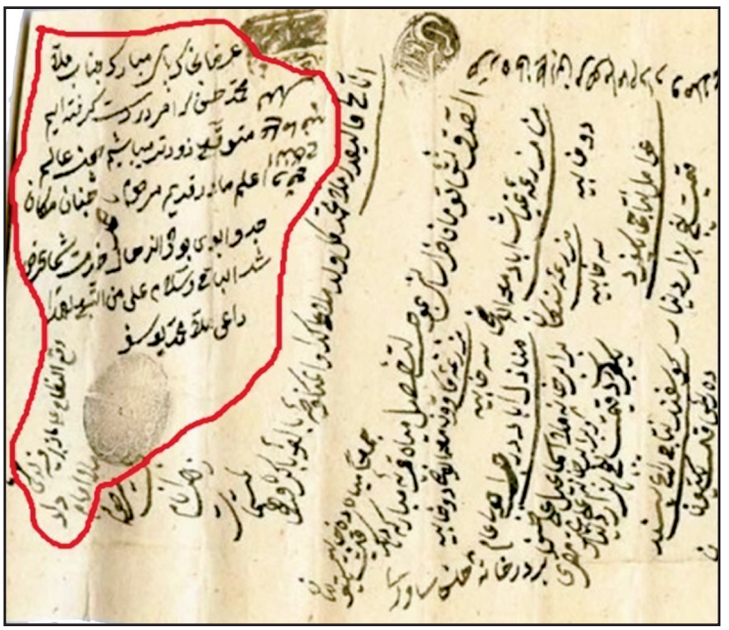
نکات:

۱. این لیست اموال فقط مربوط به هردنگی نبوده، بلکه متعلق به همسرش هم می‌باشد.

۲. این سند، تدبر آدم را به‌کار می‌گیرد که چگونه ممکن است شخصی باوجود اختیارات فراوان شرعی و حکومتی، نصیب او از مال دنیا مقداری طاس حمام، آفتابه، لگن و دیگ غذا پزی بوده باشد.

خاندان هردنگی و ریشهٔ تاریخی در رسیدگی به امورات شرعیه بلوک هردنگ

آن‌طور که از بررسی برخی اسناد به‌دست‌آمده برمی‌آید نه‌تنها هردنگی، بلکه پدر و پدربزرگش نیز متصدی امورات شرعیه بلوک هردنگ و عربخانه بوده‌اند. نمونه‌ای از این اسناد که بر این موضوع صحه می‌گذارد، در ادامه می‌آید. عقدنامه کدخدا محمد گل درکی فرزند ملاعلی گدا با زهرا دختر ملا امامداد به تاریخ ۱۲۹۶ق. ملا محمد یوسفی نامی به‌عنوان وکیل از طرف آخوند ملا محمدحسن هردنگی عقد را در روستای دهک عربخانه انجام می‌دهد و در گوشه نامه به آخوند می‌نویسد: «عرض به خاک‌پای جناب ملا محمدحسن که امر در دست گرفته‌ایم متوقع زودتر می‌باشیم به جهت عالم اعلم در منطقه که در قدیم مرحوم جنان مکان جد و ابوی بوده‌اند حال هم خدمت شما عرض شد الباقی والسلام علی من التبع الهدی داعی ملا محمد یوسفی به تاریخ ماه شعبان ۱۲۹۶ق.» (سند ۱۷)



سند ۱۷: عقدنامه کدخدا محمد گل درکی فرزند ملاعلی گدا با زهرا دختر ملا امامداد (غوث، ۱۳۹۸: ۱۸۶)

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی جایگاه تاریخی شخصیت هردنگی و تبیین جایگاه علمی او در ساختار علمی-مذهبی منطقهٔ قهستان انجام گرفت. یافته‌های حاصل از بررسی اسناد آرشیوی و منابع دست‌اول علمی و تاریخی نشان می‌دهد که برخلاف روایت‌های پراکنده، شخصیت موردمطالعه دارای جایگاهی مستند و برجسته در میان طبقهٔ علما و حاکمان قاینات بوده است. نتایج این تحقیق تأیید می‌کند که بازخوانی زندگی هردنگی از طریق اسناد مکتوب، نه‌تنها به اعتبارسنجی هویت تاریخی هردنگی منجر شده، بلکه نشان‌دهندهٔ نقش مؤثر او در شبکهٔ علمی منطقه در دورهٔ موردنظر است. درنهایت، این مطالعه نشان داد که استفاده صحیح از روش مستندسازی آرشیوی، ابزاری کارآمد برای گذار از تاریخ شفاهی به تاریخ علمی ـ پژوهشی در حوزهٔ تاریخ محلی است و جایگاه علمی هردنگی را به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار علمی در منطقهٔ قهستان تثبیت می‌کند.

منابع

- آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). ***بهارستان***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اسلامی، محمدجعفر. (۱۴۰۳). «علامه فقیه سید ابوطالب حسینی قاینی». ***محکمه تعنی تراث کربلا***. (شماره ۱۰)، ۱-۱۲۶.
- الهی‌زاده، محمدحسن؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «شخصیت و حیات علمی شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی». ***مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان***، ۱۵۳-۱۶۷.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۳). «اهمیت اسناد آرشیوی در پژوهش‌های تاریخ محلی خراسان (اسناد آستان قدس رضوی درباره جنگ جهانی دوم)». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۸)، ۵۷-۸۴.
- جهانبخش، ثواقب. (۱۳۹۳). «نگرشی بر جایگاه و اهمیت سنت تاریخ‌نویسی محلی ایرانی». ***پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران***. (شماره ۴)، ۵-۴۰.
- جلیلی، حمیده؛ غوث، کمال. (۱۳۹۸). «تحقیقی بر شناسایی حاکمیت‌های شرع در قهستان (خراسان جنوبی فعلی) از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۶۶ قمری». ***دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی پیاپی***. (شماره ۲۶)، ۱۶-۵۰.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۳۶). «معرفی آخوند ملا محمدحسن هردنگی» ***آفتاب شرق***. مشهد.
- راشد محصل، محمدحسین. (۱۳۴۵). ***کتاب ناتمام آخوند ملا محمدحسن هردنگی***. بی‌نا: بی‌جا.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۹۳). «معرفی یک عقدنامه». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۸)، ۱۹۵-۲۰۴.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۴۲). «بحث درباره آثار شش تن از علمای قهستان». ***پایان‌نامه کارشناسی***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زمانی‌پور، اسدالله. (۱۳۹۱). ***مود، مرکز نهارجان***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زنگویی، حسین. (۱۳۸۸). ***شاعران قهستان***. بیرجند: روزگار.
- سعیدزاده، محسن. (۱۳۶۹). ***بزرگان قاین***. قم: اسلامیه.
- سنگین‌آبادی، نهیه. (۱۳۹۸). «قلمرو و جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری». ***پژوهش و مطالعات علوم اسلامی***. (شماره ۸)، ۹۵-۸۷
- عباسی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). «نقد و ارزیابی کتاب بهارستان آیتی». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۷)، ۸۷-۱۰۴.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «کارکرد اجوبه‌های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران». ***پژوهشنامه تاریخ اسلام***. (شماره ۱۱)، ۷۵-۱۰۰
- غوث، کمال؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی اسنادی خدمات خاندان هردنگی به مزار دهک و نقش آن‌ها در رسیدگی به موقوفات و امور وابسته به این مزار (۱۲۳۲-۱۴۰۴ق)». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۱۰)، ۸۵-۱۱۸.
- غوث کمال. (۱۳۹۸). ***آیت‌الله محمدحسن هردنگی احیاء کننده موقوفات و بقاع متبرکه به روایت اسناد***. تهران، فکر بکر.
- غوث کمال. (۱۳۹۰). ***گنج‌نامه ناحیه هردنگ***. تهران، فکر بکر.
- ناصری، اکرم. (۱۳۹۸). «جایگاه مضامین عرفانی در کتاب تأملات کلامیه ملا محمدحسن هردنگی». ***مطالعات***

فرهنگی اجتماعی خراسان. (شماره ۱۴)، ۱۲۵-۱۴۱.

- هردنگی، محمدحسن. (۱۳۹۶). *تأملات کلامیه*. تصحیح، شرح و تحشیه علی‌محمد ولوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References

- Abbasi, Ali-Akbar. (1392 [2013]). "A Critical Review and Evaluation of Ayati's Baharistan." Khorasan Cultural-Social Studies, no. 7, 87–104.
- Alizadeh Birjandi, Zahra, et al. (1392 [2013]). "The Function of Shiite Scholars' Responses (Ajwiba) in Studies of Iranian Social History." Journal of Islamic History Studies, no. 11, 75–100.
- Ayati, Mohammad-Hossein. (1371 [1992]). Baharistan. Mashhad: Ferdowsi University.
- Elahizadeh, Mohammad-Hassan, et al. (1398 [2019]). "The Personality and Scholarly Life of Sheikh Mohammad-Bagher Ayati Birjandi." Khorasan Cultural-Social Studies, 153–167.
- Eslami, Mohammad-Jafar. (1403 [2024]). "Allameh Faqih Sayyid Abutaleb Hosseini Ghayeni." Mahkameh-ye Tani-ye Torath-e Karbala, no. 10, 1–126.
- Ghows, Kamal, et al. (1394 [2015]). "A Documentary Study of the Hardangi Family's Services to the Dehak Shrine and Their Role in Managing Its Endowments and Related Affairs (1232–1404 AH)." Khorasan Cultural-Social Studies, no. 10, 85–118.
- Ghows, Kamal. (1390 [2011]). Ganjnameh of the Hardang District. Tehran: Fekr-e Bakr.
- Ghows, Kamal. (1398 [2019]). Ayatollah Mohammad-Hassan Hardangi: Reviver of Endowments and Holy Shrines, According to Historical Documents. Tehran: Fekr-e Bakr.
- Hardangi, Mohammad-Hassan. (1396 [2017]). Ta'ammolat-e Kalamieh. Edited, annotated, and commented on by Ali-Mohammad Valavi. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Hassanabadi, Abolfazl. (1393 [2014]). "The Importance of Archival Documents in Local History Research in Khorasan (Documents of Astan Quds Razavi Concerning World War II)." Khorasan Cultural-Social Studies, no. 8, 57–84.
- Jahanbakhsh, Savaqeb. (1393 [2014]). "An Overview of the Position and Significance of the Iranian Tradition of Local Historiography." Iranian Journal of Local History Studies, no. 4, 5–40.
- Jalili, Hamideh, and Kamal Ghows. (1398 [2019]). "A Study on Identifying Sharia Judgeships in Quhestan (Present-Day South Khorasan) from 1284 to 1366 AH." New Achievements in Humanities Studies, no. 26, 16–50.
- Naseri, Akram. (1398 [2019]). "The Position of Mystical Themes in Molla Mohammad-Hassan Hardangi's Ta'ammolat-e Kalamieh." Khorasan Cultural-Social Studies, no. 14, 125–141.
- Rashed Mohassel, Mohammad-Hossein. (1345 [1966]). The Unfinished Book of Akhund Molla Mohammad-Hassan Hardangi. No publisher, no place of publication.
- Rashed Mohassel, Mohammad-Taghi. (1336 [1957]). "Introducing Akhund Molla Mohammad-Hassan Hardangi." Aftab-e Sharq. Mashhad.
- Rashed Mohassel, Mohammad-Taghi. (1342 [1963]). "A Discussion of the Works of Six Scholars of Quhestan." Bachelor's thesis. Mashhad: Ferdowsi University.
- Rashed Mohassel, Mohammad-Taghi. (1393 [2014]). "Introducing a Marriage Contract." Khorasan Cultural-Social Studies, no. 8, 195–204.
- Saeidzadeh, Mohsen. (1369 [1990]). The Notables of Ghayen. Qom: Islamieh.
- Sanginabadi, Nahieh. (1398 [2019]). "The Scope and Position of Oral History in Historiography." Research and Studies in Islamic Sciences, no. 8, 87–95.
- Zamanipour, Asadollah. (1391 [2012]). Mood, the Center of Nahardjan. Mashhad: Ferdowsi University.
- Zangouei, Hossein. (1388 [2009]). Poets of Quhestan. Birjand: Roozegar.